



گفت‌وگوی صبا با عوامل

فیلم سینمایی «ماهیان سرخ»

به یاد

دلیر مردان

زیر آب

مریم عظیمی
گفت و گو

فیلم سینمایی «ماهیان سرخ» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اسد سیاح روز یکشنبه ۳۰ دی ماه در گروه سینمایی هنر و تجربه به اکران رسید و پس از این مخاطبان می‌توانند به صورت آنلاین این فیلم را از طریق پلتفرم هاشور تماشا کنند. در فیلم «ماهیان سرخ» که روایتی عاشقانه را به ماجرای شهیدای قواص و کربلای ۴ پیوند می‌زند بازیگرانی مانند حسن اسدی و سیروس کهوری نژاد و بازیگران خوزستانی ایفای نقش کرده‌اند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

اسد سیاح، تهیه‌کننده و کارگردان:

خوزستان پایتخت دفاع مقدس است

لطفاً در ابتدا از نحوه ورودتان به عرصه سینما بگویید.

علاقه من به هنر و ادبیات به پیش از دهه ۸۰ برمی‌گردد اما سال ۹۰ در دوره‌های بازیگری و کارگردانی یکی از آموزشگاه‌های معتبر اهواز که اساتیدی مثل آقای جمشید مشایخی، حسن جوهرچی، ایرج نوذری و بازیگران به به تدریس می‌پرداختند، گذراندم و طولی نکشید که استادیار همان آموزشگاه شدم و پیش از آمدن اساتید هنر جوان را با تمرینات بدن و بیان آماده می‌کردم. در همان دوره‌ها بود که به خاطر قد بلندم در زمینه دستپارای صدا همینطور دستیار صحنه فعالیت کردم و به جایی رسید که عنوان دستیار اولی فیلم‌های کوتاه زیادی را بر عهده گرفتم. یک تله فیلم هم در دست تولید داشتم که به دلایلی ناتمام ماند و بعد از آن یک فیلم کوتاه ۳۰ دقیقه‌ای کار کردم که در جشنواره‌های مختلفی دیده شد هر چند که در سال ۹۶ در مدت زمان سه روز و با ۲۰۰ هزار تومان پول ساخته شده بود. در برخی از سریال‌های مثل سریال «جزر و مد» که از شبکه یک هم پخش شد بازی کردم اما ورود رسمی‌ام به بازیگری با فیلم ماهورا ساخته حمیدرزگر نژاد بود که نقش معلم را بازی می‌کردم. در زمینه تئاتر هم چند نمایش به نام «خدای کشتار» و «مرثیه برای دراکولا» را روی صحنه بردم که مورد استقبال قرار گرفت و بعد از آن بود که در سال ۱۴۰۱ استارت این فیلم زده شد.

لطفاً در مورد طرح، ایده و نگارش این فیلمنامه بگویید.

این طرح از خانم الیزا سعیدی بود که برای ساخت به بنیاد حفظ آثار داده شده بود و من بر اساس آن یک و اطلاعات و تحقیقاتی که از مصاحبه با رزمندگان و کسانی که در عملیات کربلای ۴ حضور داشتند به دست آورده بودم یک فیلمنامه بلند نوشتم.

این مرحله تحقیقات بسیار اهمیت دارد. تا چه حد به کسانی که در مورد این موضوع اطلاعات موثقی داشتند دسترسی وجود داشت؟

خوزستان پایتخت دفاع مقدس است و اکثر رزمندگان یا مناسبی دارند و یا اینکه به دیگر رزمندگان دسترسی، بسیاری هنوزم که هنوز است گردان‌هایشان را هر هفته برای مراسمات ویژه مثل دعای ندبه جمع می‌کنند مثلاً گردان جعفر طیار و دور هم جمع می‌شوند. دسترسی به این افراد، همینطور به فرماندهان وجود داشت علاوه بر این‌ها در بنیاد حفظ آثار یک سری اطلاعات به صورت تاریخ شفاهی جمع آوری شده بود. اما خیلی ناراحتم که نتوانستم به خاطر کمبود امکانات تمام آن چیزی که مد نظرمان بود و نوشته شده بود را پیاده کنیم مثلاً رگان‌های مربوطه با سختی خیلی زیادی لباس غواصی در اختیار ما گذاشتند که متأسفانه از ۸۰ دست لباس غواصی، ۵۰ لباس اصلاً قابل استفاده نبود همینطور مجوز تجهیزات مناسب و مهماتی که نیاز داشتیم از همان ابتدا در دستمان باشد اواسط کار به دستمان رسید و تا آن زمان ما حتی یک گلوله هم نداشتیم.

این فیلم دقیقاً به چه موضوعی می‌پردازد و شما از چه منظری به این اتفاق تاریخی نزدیک شده‌اید؟

افراد زیادی فیلم مرا دیده‌اند ولی شاید برخی از آنها به این مسئله دقت نکرده‌اند که فیلم من اتفاقاً ضد جنگ است و به داستان عشق یک دختر ایرانی با پسری عراقی می‌پردازد. در واقع پیش از جنگ رابطه قوم و خویشی بین ایرانیان و عراقی‌ها وجود داشته و ازدواج‌هایی صورت می‌گرفته اما این جنگ بین مردم این دو کشور فاصله انداخت تا جایی که روبروی هم قرار گرفتند. یک خطی داستان این است که در پیش از انقلاب فردی که اسلحه قاچاق می‌کرده خیلی اتفاقی به دست یکی از اهالی روستایی در ایران کشته می‌شود بنابراین به رسم عشایر و اقوام، دختری به اسم فاطمه به ازدواج برادر مقتول در می‌آید و ثمره این ازدواج کاراکتر حسین است از آنجایی که پدر حسین در

اهمیتی نمی‌دادند و برایشان مهم نبود. اجازه دهید حقیقتی را بگویم در خوزستان، آن موقعیت جغرافیایی جنگ هنوز بکر است به همین دلیل از نقاط مختلف برای ساخت فیلم به خوزستان می‌آیند. کسانی که از تهران می‌آیند به هر حال کارگردان‌های شاخصی هستند، ارگان‌های معتبری مثل اوج، فارابی، بنیاد شهید و... از آنها حمایت کرده و این‌جا به مسئولین رده بالا دسترسی دارند بنابراین وقتی با دو نامه به خوزستان می‌آیند اینجا همه برای آنها دست به سینه‌اند اما برای ما که خوزستانی هستیم انگار آشنا کشی و غریب نوازی است و آن‌گونه که باید از ما حمایت نمی‌شود. وقتی که هیچ کدام از این ارگان‌ها پشت کار نباشد و کارگردان هم به نام نیست و بومی است آنچنان خدماتی در اختیارمان قرار نمی‌گیرد البته شاید برای شهرستان‌های دیگر هم همین گونه باشد. من متولد سال ۶۰ و بچه جنگم، ما جنگ را لمس کرده و از آن آسیب دیده‌ایم و حال که باید ثمره این همه مجاهدت و سختی را ببینیم، در آسایش بوده و خدمات داشته باشیم با چنین برخوردی مواجه هستیم. به همین علت است که این فیلم به نوعی مستثنا است چرا که با کمترین بودجه و امکانات ساخته شده است. من سعی کردم با بچه‌های خود خوزستان کار کنم و نقش‌های مهمی را به خود بچه‌های خوزستان دادم در صورتی که در بسیاری از آثار بچه‌های مستعد خوزستان یا به عنوان هنرور استفاده می‌شود یا فقط در چند پلان محدود فرصت بازی پیدا می‌کنند در حالی که ما بچه‌های بسیار مستعدی در خوزستان داریم. هر چند که این فیلم ضعف‌های زیادی داشت ولی نقطه قوت فیلم بازی همین بچه‌ها بود.

بخش‌های از فیلم به زبان عربی است و نقش کاراکترهای عراقی را نیز بازیگران ایرانی ایفا کرده‌اند آیا تفاوتی در لهجه عربی این منطقه و مردم عراق هست؟

ارتش عراق است او هم وارد ارتش عراق می‌شود. در میانه جنگ وقتی حسین از لو رفتن عملیات کربلای ۴ مطلع می‌شود تمام سعیش را می‌کند که به ایرانیان خبر بدهد چرا که به خاطر مادرش خودش را ایرانی می‌داند و دل در گرو عشق دختر خاله‌اش دارد عشقی که پدرش با آن مخالف است.

صحنه عروسی که در ابتدای فیلم می‌بینیم حال و هوای خاصی دارد.

این صحنه عروسی مادر حسین و پدرش است. نظر برخی این بود که چرا این عروسی آنقدر خلوت است اما نمی‌دانند که وقتی دختری را به خون بها، خون بس یا فصلیه که به معنی حل و فصل کردن یک مشکل است می‌برند این دختر با نارضایتی به شوهر داده شده و برایش عروسی نمی‌گیرند و مراسمی که انجام می‌شود در حد یک مشایعت و همراهی است.

آنچه که عموماً می‌دانیم این است که آثاری که در باب دفاع مقدس ساخته می‌شود از حمایت خوبی برخوردار می‌شوند اما به نظر می‌آید در مورد شما اینگونه نبوده است.

در حقیقت ما ابتدا کار را با ۲۰۰ میلیون تومان پول آغاز کردیم که همان اول کار به خاطر برخی بدقولی‌ها ۵۰ میلیون از دست رفت. متأسفانه تجهیزاتی که به ما قول داده شده بود نیز به دستمان نرسید و فقط سه پایه، یک شولدر و چند لنز به دست ما رساندند و نه تنها هیچ امکاناتی نداشتیم که هیچکس هم به داد ما نمی‌رسید. لوکیشن‌ها در اهواز آبادان و حومه آنها بود و ما در گرمای بالای ۶۰ درجه کار می‌کردیم و حتی برای تهیه آب آشامیدنی برای بازیگران و عوامل کار مجبور به التماس به برخی از مسئولین شدیم ولی باز هم